



ظلم بی سابقه تمدن غرب به زنان

آن روز که اروپایی‌ها تازه ضایع را بوجود آورده بودند (اوایل قرن نوزدهم) و سترمایه‌داران غربی، کارخانجات فراوان را اختراع کرده بودند، احتیاج به نیروهای کار ارزان، بی‌توقع و کم‌درم‌سرد داشتند و لذا رزمزه آزادی زن را بلند کردند؛ بسزای اینکه زن را از داخل خانواده به داخل کارخانه‌ها بکشاند و به عنوان یک کارگر ارزان از او استفاده نموده و جیب‌های خودشان را پر کنند و زن را از کرامت و منزلت خود بپزدانند. امروز آنچه که به عنوان آزادی زن در غرب مطرح است، دنباله همان داستان و ماجراست. لذا ظلمی که به زن در فرهنگ غربی شد و برپاداشت غلطی که از زن در آثار فرهنگ و ادبیات غرب وجود دارد، در تمام دوران تاریخی بی‌سابقه است. در گذشته تاریخ هم به زن ظلم شده است؛ اما این ظلم عمومی و فراگیر و همه‌گیر مخصوص دوران اخیر است و ناشی از تمدن غرب است که زن را به عنوان وسیله التناذ مردان معرفی کرد و اسمش را گذاشتند آزادی زن! در حالی که در واقع آزادی مردان هرزه بود برای تمتع از زن.

● بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان کشور، ۷/۱۹/۷۱

● پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

در محضر امام خمینی (ره)

این روحانیون کیستند؟

پس از انتشار مقالهٔ «اتحاد مقدس به‌خاطر هدف مقدس»! در روزنامهٔاطلاعات، مورخهٔ ۱۸/۱/۴۱، مبنی بر اتحاد شاه و روحانیون در «انقلاب سفید»، امام حجت‌الاسلام والمسلمین فضل الله محلاتی را به ادارهٔ روزنامه می‌فرستند تا سؤال کند این «روحانیون» کیستند؟ مدیر اطلاعات اظهار می‌دارد که سرمقاله از طرف مقامات دولتی به روزنامه فرستاده شد و آنان به‌ناچار آن را منتشر ساختند. امام مدیر روزنامه را ملزم ساختند که آن خبر را در روزنامهٔ خود تکذیب کند و خواستهٔ خود را با قدرت و با شدت تمام پیگیری کردند. سرانجام دولت مجبور می‌شود نمایندهٔ خود را به قم و به حضور امام بفرستد و از ایشان معذرت خواهی کند و ضمن طلب عفو، متعهد بشود که از آن پس ازاشاعهٔ اکاذیب و افتراء به روحانیت جلوگیری کند.۱

بعد از نماز صبح به منزل می‌رفتم

در قضیه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، امام ششبها، چه شهبایی که درس بود و چه شهبایی غیر درسی، استادان حوزه علمیهٔ قم را که سرپرستی حوزه به عهدهٔ آنها بود، بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی، جمع می‌کردند تا در این باره مشورت‌هایی بشود. امام درباره جلسه‌های بسیار طولانی آن جمع می‌گفتند: بعضی مجالس ما آنقدر طولانی می‌شد که نماز صبح را می‌خواندیم و به منزل می‌رفتمیم.۲

۱- برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۴، ص ۵۷

۲- حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد جواد علم الهدی – یا به پای افتاب - ج ۴ - ص ۲۲.

استفتاء

از رهبر معظم انقلاب اسلامی

دادن عقیقه به بهز بیستی

(س) **آیا می‌توان عقیقه را پس از ذبح، برای استفاده نیازمندان را به‌پوشی ابتدا کرد؟**

(ج) ممانعی ندارد.

جبران مطالبات

با استفاده شخصی از اموال دولتی

(س) **آیا کارمند می‌تواند برخی از مطالبات قانونی خود را از دولت نگیرد و معادل آن، از اموال دولتی مانند تلفن و نوشتافزار و امثال آن استفاده شخصی کند؟**

(ج) بـه طـور کلی این گونه امور، تابع قوانین و مقررات مربوط می‌باشد.

مرخصی استعلاجی صوری

(س) **بنده کارمند هستم، اگر بدون داشتن مریضی، از دکتری بتری که مرخصی استعلاجی گرفته‌ه و بتوانم از اداره مرخصی استعلاجی بگیرم، آیا ایراد شرعی دارد؟**

(ج) در فرض سؤال، جایز نیست.

حکایت اهل راز

توصیه قرآنی شیخ نخودکی

آقای انتظام کاشمیری واعظ نقل می‌کرد که:به خدمت حاج شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی عرض کردم: دستوری مرحمت فرما که توفیق تهجد یابم و گشایشی در کارم حاصل شود. فرمودند: هر صبح، از تلاوت قرآن مجید مخصوصاً (سوره یس) غفلت نمنا، ان‌شاءالله توفیق حاصل خواهد شد. به کاشمر بازگشتم و هر بامداد، در حین راه رفتن، به قرائت سوره یاسین مداومت می‌کردم، اما نتیجه‌ای به دست نمی‌آمد. سال دیگر در ایام عید به مشهد مشرف شدم و در یک شب بارانی به دنبال کاری به خانه یکی از علماء شهر رفتم، چون در آن شب آقا را نیافتم، دست خالی بیرون آمدم و اندیشیدم: خوب است به خدمت حاج شیخ حسنعلی شریفاب بشوم و از اعدم حصول نتیجه او را آگاهی دهم. با این فکر به منزل حاج شیخ آمدم، دیدم که جماعتی در اطاعتند و در بسته است و ایشان، مشغول گفتار و موعظه هستند... از این رو پشت در نشستم. .. در همین زمان، ناگاه شنیدم که مرحوم حاج شیخ موضوع فرمایشات خود را تغییر دادند و فرمودند: «برخی از من دعای توفیق مسخر می‌کنند؛ گشایش امور می‌خوانند، دستوری می‌دهم که قرآن تلاوت کنند، لیکن به جای آن که رو به قبله و در حال توجه به قرائت بپردازند، در حال راه رفتن، سوره یاسینی می‌خوانند و بعد به قصد گله می‌آیند که از دستور من حاصلی نگرفته‌اند!

تازه در شب بارانی ایستاد، به منظور انجام کار دنیایی خود، به در خانه دیگران می‌روند و چون به مقصد نمی‌رسند، به فکر آخرت افتاده، سسری هم به منزل من می‌زنند؛ اینکه شرط انصاف نیست، خوب است بروند و هر بامداد رو به قبله با توجه و تدبر و نه با لقلقه لبسان، به تلاوت کلام‌الله بپردازند آنگاه اگر مقصودشان حاصل نشد گله‌مند گردند.

● مقدادی اصفهانی، علی، نشان از بی‌شانی‌ها، ج ۱، ص ۶۸

در مطلب حاضر نویسنده با بررسی جیستی مفهوم عزت و ذلت در قرآن، به عواملی که منجر به ذلت مردم و دولت می‌شود و عمدتاً ریشه در عملکرد مسئولان و کارگزاران حکومتی دارد اشاره کرده است.

مفهوم عزت

عزت حالتی است که انسان خود را از هرگونه سلطه طاغوتی رها می‌بیند و امکان چیرگی یا نفوذ را به دشمن نمی‌دهد و در انجام عمل یا ترک آن خود را قادر می‌یابد.

این مفهوم دقیقاً در برابر ذلتی است که نفس انسان احساس می‌کند تحت سلطه طاغوتی قرار دارد و آزادی و استقلال و توان و قوتش را از وی سلب کرده به طوری که عاجز از هرگونه کنش و واکنش مستقلی و قدرت‌نمایی ارادی و اختیاری است.

خاستگاه عزت

از نظر آموزه‌های قرآن، خاستگاه عزت در مفهوم بندگی و عبودیت الهی انسان است؛ زیرا کسی می‌تواند عزیز و دارای عزت باشد که مظهر اسمای الهی باشد. شکی نیست که این مظهریت تنها در سایه عبودیت مبتنی بر عمل در چارچوب‌های اسلام و قوانین آن تحقق می‌یابد؛ از همین‌رو خدا می‌فرماید:عزت فقط از آن خدا و از آن پیامبرش و از آن مؤمنان است؛ لیکن این دورویان و منافقان این حقیقت را نمی‌دانند.(منافقون، آیه ۸)

بر این اساس، جستجوی عزت در بیرون از دایره بندگی و عبودیت اسلامی، بوج و بی‌معنا خواهد بود و هر کسی عزتی را بیرون از آن بجوید، جز خوار و ذلت چیزی نصیب او نمی‌شود؛ چنانکه خدا به صراحت درباره گناهکاران و مخالفان با آموزه‌های

عوامل ذلت

ملکت و دولت

در قرآن

عزت امت و دولت اسلامی است.

عوامل ذلت امت و دولت

بی‌گمان شناخت عوامل ذلت‌آور می‌تواند برای شناخت کسانی که بسترسازان ذلت امت و دولت

اسلامی هستند، مفید و سازنده باشد تا این‌گونه جریان بسیار خطرناک و فتنه‌گر نفوذ و نفاقی که به جای عبودیت اسلامی دنبال عبودیت طاغوت هستند را شناخته، رسوا شده و از گردونه نظام اسلامی کنار نیز چیزی جز ذلت نخواهد بود.

جریان نفوذ و نفاق که در میان امت اسلام و نظام اسلامی نهایی به شکل خطرناکی حرکت کرده و فتنه‌های گوناگون ایجاد می‌کند، جریانی است که به جای ایجاد عزت، ذلت را برای امت و نظام اسلامی

معارف

Maaref@Kayhan.ir

آیات ۱۵ و ۱۶.)

۷- بدعت‌سازی در دین و افتراء به خدا:
مستولانی که بی‌محایا بر اساس بیماردلی حقایق را وارونه می‌بینند و گزینشی به دین می‌نگرند و برخی از آموزه‌های دینی را می‌پذیرند و با برخی مخالفت می‌ورزند و اسلام را راه‌حل تمام و کامل نمی‌دانند، چنین مسئولانی با بدعت‌سازی در دین و افتراء به خدا، خشم خدا را برای مردم و دولت و امت به ارمان می‌آورند و عزت امت و دولت را به ذلت تبدیل می‌کنند.(انعام، آیه ۹۳؛ اعراف، آیه ۱۵۲)

۸- بی‌توجهی به فقیران و بی‌احترامی به یتیمان:
مستولان و دولتمردانی که بر خلاف عدالت عمل می‌کنند و به جای دفاع از حقوق توده‌های مسکین، فقیر و مستضعف مردم و یتیمان بی‌بنا(فجر، آیات ۱۶ تا ۱۸)، به دفاع از منافع ثروتمندان و قدرتمندان و اقشار خاصی می‌پردازند و به جای آن‌که قدرت خویش را برای حمایت از توده مردم به کار گیرند، به پشتیبانی و حمایت از مجرمان و فراریان مالیاتی و حقوق‌بگیران نجومی و اختلاس‌کنندگان از بیت‌المال می‌پردازند(قصص، آیات ۱۷ و ۱۸).
۹- پیمان شکنی مسئولان:
مستولانی که به مردم وعده می‌دهند و حتی به‌طور رسمی در مراکز تصمیم‌گیری قول و قرار و پیمانی را امضا می‌کنند، سپس زیر آن می‌زنند و پیمان شکنی می‌کنند و حتی منکر وعده‌های داده شده هستند به فیلم و صوت خود می‌شوند، چنین مسئولاتی موجبات ذلت مردم را فراهم آورده و عزت را از امت و دولت سلب و خداندند عزت را از این مردمان سلب کند.

۲. دنیا طلبی و ثروت‌اندوزی:
مستولان نظام اسلامی می‌بایست آخرت‌گرا باشند و برای آخرت خویش و مردم تلاش کنند. هرگاه مسئولان نظام سیاسی و دولت اسلامی گرفتار دنیاطلبی شوند، ذلت و خسواری را برای دولت و امت به ارمان می‌آورند و



خدا بر اساس سنت‌های الهی حاکم بر جان و جامعه و جهان در همین دنیا اینها را خوار و ذلیل می‌کند. (فجر، آیات ۱۶ تا ۲۰) بنابراین، مسئولاتی که از حقوق بیت‌المال به شکل بی‌محایا سوء استفاده می‌کنند و برای خود از بیت‌المال کیسه دوخته‌اند، همانند کسانی هستند که از مال یتیمان می‌خورند و حقوق ایشان را تباه می‌سازند و برای گردآوری ثروت‌اندوزی حلال و حرام سرشان نمی‌شود، به‌طوری که هم از توبه می‌خورند و هم از آخور. این‌گونه است که خدا به حکم سنت‌های الهی ثابت، دولت و امت را خوار می‌سازد.

۴. فسق:
مستولان دولت اسلامی که گرفتار فسق می‌شوند و رفتارهای فاسقانه‌ای دارند به‌طوری که هنجارشکنی آنان مردم و امت را می‌آزارد، باید

باید توجه داشتست که قدرت و اقتداری که اسلام به مسئولان داده مشروط و منوط به اقامه عدالت در قالب «قومین بالقسط» است. بنابر این، هر گونه قانون گذاری به نفع خویش یا حزب یا گروه یا خویشان در قالب استنثار، انحصار، حقوق نجومی، پاداش‌های هنگفت و مانند آنها، نه تنها حرام بلکه از در جه اعتبار ساقط و بی‌ارزش است و قانون‌گذار و مجریان و عاملان این قوانین، با وضع چنین قوانینی هر گز مالک چنین مالی نمی‌شوند که از بیت‌المال با عناوین قانونی غارت و چپاول کرده‌اند.

سختی را بر زبان می‌آورند که با عمل و سخنان آنها در مجامع عمومی به شدت در تضاد و تقابل است. این جماعت خطرناک، با نفوذ در میان مسئولان و مناصب و رده‌های مسئولیت عالی، خطرناک‌ترین دشمن عزت امت اسلام هستند؛ زیرا به سبب وارونگی فهم و ادراک و کوردلی و بیماردلی و فقدان بصیرت لازم، مدعیان عزت و اصلاحات هستند؛ در حالی که به سبب بی‌شعوری و فقدان کمترین ابزارهای ادراکی حسنی و درک نمی‌توانند فساد و ذلتی را که ایجاد می‌کنند، درک کنند؛ بلکه فساد و ذلت امت را عین رفتارهای اصلاحی می‌دانند و این‌گونه بزرگترین ضربه را به امت و نظام اسلامی وارد می‌سازند.(بقره، آیات ۷ تا ۱۵)

از نظر آموزه های قرآن، اگر دولت و امت در نظام اسلامی در مسیر عبودیت و چارچوب قوانین اسلامی عمل و رفتار کنند، بی‌گمان عزت را در می‌یابند و از هرگونه ذلتی در امان می‌مانند.(منافقون، آیه ۸) بنابراین هرگونه توطئه درونی و بیرونی که بخواهد عزت را از امت سلب کند و ذلت را بر ایشان تحمیل کند، به عنایت و فضل و امداد الهی نسبت به اهل عبودیت اسلامی، دفع می‌شود.(همان)

بر این اساس، اگر امت اسلام و نظام اسلامی گرفتار ذلت در حوزه‌ها و ساحات گوناگون از جمله در حوزه عمل سیاسی و بین‌المللی شوند، باید مهمترین عامل را در دوری از عوامل عزت عبودیت عبودیت اسلامی دانست.(همان)
از آنجایی که اکثریت است و دولت در نظام اسلامی خواهان عزت در سایه عبودیت اسلامی هستند، می‌توان به این نتیجه رسید که جریان نفوذ و نفاق با حضور در مناصب دولتی، حرکت امت و دولت را به گونه‌ای رقم زده‌اند که موجبات خروج از عبودیت اسلامی فراهم آمده و خدا به حکم سنت‌های حاکم بر اجتماع، امت و دولت را گرفتار ذلت کرده است. به سخن دیگر، هر گاه نشانه‌های ذلت به جای عزت در میان امت و دولت بروز کرد، می‌بایست به تحلیل چرایی به وجود آمدن آن پرداخت که مهمترین آن، خروج از عبودیت اسلامی است. این نیست، چنین شخصی مالک آن مال نمی‌شود و باید

مسئولانی که دروغ می‌گویند گرفتار نفاق هستند که موجبات ذلت امت و دولت را فراهم می‌آورد. این مسئولان در دل‌های خویش اعتقادی دارند و در محافل و مراکز خصوصی سخنی را بر زبان می‌آورند که با عمل و سخنان آنها در مجامع عمومی به شدت در تضاد و تقابل است. چنین رویه رفتاری مسئولان، موجب می‌شود تا خدا اینان را در همین دنیا خوار کند و امت و دولت آسیبی جدی از جهت آنان ببیند.

انواع گناهان کوچک و بزرگ یا آشکار و نهان، از مالی و غیر مالی، گرفتار زنگاردلی، بیماردلی، کوردلی و جان‌های ناپاک شده‌اند، بسترساز ذلت امت و دولت اسلامی می‌شوند. از نظر قرآن، منافقان و به ظاهر متدینان مسلمان وقتی گرفتار گناه هستند، گرفتار بیماردلی می‌شوند که خود عامل ذلت امت و دولت اسلامی است.(مائده، آیه ۴۱).
۶- استکبار مسئولان:
خودبرتبینی اجتماعی مسئولان و گمان آنان بر اینکه یافتنای جدا یافته از مردم هستند و به قولی رای خویش را برابر با چند میلیون رای مردم می‌دانند، عامل ذلت امت و دولت اسلامی می‌شوند و می‌بایست آنان را شناخت و از مسئولیت سلب و حذف کرد.(انعام، آیه ۹۳؛ حج، آیات ۸ و ۹)
اصولا باید این دسته از مسئولان را اینها برخی از عوامل بسترساز برای ذلت و خوار شدن امت و دولت است. در اینجا مطرح شده است که چرا با نگاهی به ایسن مصادیق می‌توان دریافت که چرا این اسلام در جهان امروز همچنان در ذلت است و نوانتاست است عزت و افتخار و حقیقی را کسب کند. این استکبار و عوامل را باید شناخت و بر اساس توصیه الهی با آن مبارزه کرد و به حذف عوامل بویژه مسئولان فاسد و نفوذی و منافقی پرداخت که همواره در طول تاریخ به عزت مسلمانان و دولت و امت ضربه زده‌اند.

صفحه ۶
پنج‌شنبه ۵ دی ۱۳۹۸
۲۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۱ – شماره ۲۲۳۶۵



چراغ راه

علت اصلی تغییر نعمت و تسریع عذاب الهی

قال الامام علی(ع): «ولیس شیئی ادعی الی تغییر نعمه‌الله، و تعجیل تقمته من اقامه علی ظلم»

امام علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: هیچ چیز همانند ظلم، نعمت خدا را سلب و دگرگون نمی‌سازد؛ و نعمت و عذاب الهی را سرعت نمی‌بخشد.^(۱)

۱- نهج‌البلاغه- نامه ۵۳

حکایت خوبان

اختلافات درونی و تفرقه، عذابی الهی است

اعراض از یاد خدا و توجه نکردن به فرامین الهی و رهنمودهای انبیا و اولیاء سبب می‌شود به تدریج کینه و دشمنی نسبت به یکدیگر در دل‌ها به وجود بیاید که در نتیجه وحدت میان جامعه‌ها فرو خواهد رفت و به جای صلح و مفا، جنگ و خونریزی حاکم خواهد شد و این خود، از کینفرهای الهی است که قرآن کریم در آیاتی به آن اشاره نموده است: «فل هؤلاء علی علی ان یبعث علیکم عناداً من فوقکم او من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعاً و ینذق بعضکم باس بعضی» یگو او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عدلی را بر شما بفرستد؛ یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را باهم بیایمزد و طعم جنگ (اختلاف) را به هر یک از شما به وسیله دیگری بپخشاند. خداوند در این آیه به یکی دیگر از عذاب‌های دنیوی که بر اثر گناهان پدید می‌آید، اشاره نموده و این عقوبت را شامل عذاب از بالا و پایین و نیز به وجود آمدن تفرقه در میان انسان‌ها می‌داند.

اما در هر حال نزول عذاب‌هایی چون طوفان شدید، فرو رفتن در زمین، زلزله و مانند آن که در اقوام گذشته رخ داده و باعث هلاکت آنها گردیده است، از نتایج اعراض از یاد خدا و زیر پا گذاشتن دستورات او می‌باشد. این کینفرها مختص به اقوام گذشته نبوده و ممکن است در هر امتی که از یاد خدا غفلت نموده و از دستورات او سرپیچی نماید، رخ دهد. کینفرهای الهی در دنیا منحصر در این انواع نبوده و گاه کینفرها به تناسب زمان و مکان، شکل دیگری پیدا می‌کند، مانند به وجود آمدن اختلاف و تفرقه در میان قوم، گروه و یا ملتی.

نکته مهم این است که مسئله اختلاف و پراکندگی در میان جمعیت‌ها، به قدری خطرناک است که در ردیف عذاب‌های آسمانی، صاعقه‌ها و زلزله‌ها قرار گرفته است؛ بلکه گاهی ویرانی‌های ناشی از اختلاف و پراکندگی به مراتب بیشتر از ویرانی‌های ناشی از صاعقه‌ها و زلزله‌است. اینکه آیه می‌فرماید: خداوند در میان شما تفرقه می‌افکند، نه به این معناست که خداوند بی‌جهت مردم را گرفتار اختلاف و نفاق می‌کند؛ بلکه این نتیجهٔ اعمال سوءمردم و خودخواهی‌ها، خودپرستی‌ها و سودجویی‌های شخصی است که نتیجهٔ آن به صورت نفاق و تفرقه بروز می‌کند. در دچار شدن به این کینفر، تفاوتی میان جوامع مشرک و مسلمان وجود ندارد؛ بنابراین هر گاه مسلمانان نیز از مسیر توحید انحراف یابند و خودخواهی و خودپرستی، جای اخوت اسلامی را بگیرد، هر کس به فکر خویش باشد و دستورات خدا به فراموشی سپرده شود، اینها نیز گرفتار چنین سرنوشتی خواهند شد.



پرسش و پاسخ

چرایی نیامدن عذاب‌های الهی همانند

امت‌های پیشین (ع)

پرسش:

چرا عذاب‌های الهی که طبق فرموده قرآن کریم برای امت‌های گذشته نازل شد و موجب هلاکت آن‌ها گردیده است، برای جوامع امروزی که ظلم و گناه در آن‌ها به شدت رواج دارد نازل نمی‌گردد؟

پاسخ:

در سه بخش قبلی پاسخ به این سؤال ضمن، تاکید بر انواع مجازات‌های الهی طبق فرموده قرآن کریم، به قوانین ثابت و سنت‌های متعدد در نظام تکوین الهی اشاره و به عوامل و شرایط وقوع عذاب‌های الهی شامل: ۱- اتمام حجت ۲- اقبال و استنراج و انواع عذاب‌های الهی شامل: ۱- عذاب استیصال ۲- عذاب غیر استیصال ۳- عذاب‌های معنوی ۴- عذاب‌های جسمی و انواع نزول عذاب شامل: ۱- حضور و وجود پیامبر گرامی (ص) در میان مردم ۲- استغفار مردم ۳- وجود مؤمنین میان مردم ۴- دعاء و چرایی نیامدن عذاب استیصال بنا بر دو علت شامل: ۱- اختصاصی عذاب استیصال به کفار ۲- وجود مصلحت پر داختم. اینک در بخش پدایی دنباله مطلب رای می‌گیریم.

امر چهارم، گاهی گناهگاهی که در گذشته نبوده است در جامعه پیدا می‌شود. در روایت داریم که گناه جدید باعث عذاب جدید می‌شود. بنسای به فرمایش حضرت امام رضاع(«کلما احدث العباد من الذنوب ما لم یکونوا یعلمون احدثالله لهم من البلاء ما لم یکونوا یعرفون» هر گاه بندگان گناهان جدیدی که قبلاً نمی‌دانستند را انجام دهند، خداوند برای آنان باری جدیدی نمی‌ساختند می‌آورد، (علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۲۲)

مشکلاتی مثل ایند و مانند آن اصلا سابقه نداشته است نه اینکه بوده ولی درماتش را نمی‌دانستند. همان طور که حوادث عالم در انسان مؤثر است، اعمال انسان نیز در عالم و در حوادث آن مؤثر است.

با توجه به مقدمات ذکر شده جواب سؤال به خوبی مشخص می‌شود: درست است که امروز در دنیا گناهان زیاد شده است اما ما می‌بینیم که بیماری‌های و گرفتاری‌هایی در دنیا دامن‌گیر بشر شده است که در گذشته سابقه نداشته است مثل جنگ‌ها و گشتارها و... مثلا بیماری ایدز بیماری ایدز است که بازه به وجود آمده و از بیماری‌های نسل جدید می‌باشد و هر روز بیشتر از گذشته بیشتر از تهدید می‌کند که کارشناسان خطر آن را در آینده وحشتناک توصیف کرده‌اند(چسرا این بیماری لایه‌های نهنفته‌ای دارد که در طول ۲۰ سال خود را نشان می‌دهد و شاید خیلی از انسان‌ها به آن گرفتار باشند و خود خبر نداشته باشند) و از این قبیل جنگ‌های خونینی است که بشر با سلاح‌های جدید خود باعث آن شده است مثلا کشته‌های جنگ جهانی اول و دوم بیشتر از ۷۰ میلیون بر آورد شده است.

از طرفی همان‌گونه که ذکر شد گاهی خدا عذاب دسته‌جمعی را از قومی به علت وجود افسراد صالحی در آن قوم بر می‌دارد همان‌گونه که در روایات درباره قوم لوط آمده است که خدا تا وقتی که همه متوبان به گناه نشدند عذاب را نازل نکرد حتی وقتی که مردان به لوط رو آوردند و نیز مبتلا نبودند عذاب نیامد تا اینکه زنان قوم به این گناه مبتلا شدند آنگاه عذاب آمد.



سلوک عارفانه

وقتی دنیا هدف باشد و خدا وسیله!

(بدان ای سالک راه خدا)
وقتی دنیا هدف باشد و خدا وسیله! یعنی تمام وجهه قلب به سوی التذاتات شهویه و غشویه بوده، و در مسیر عاق‌های مظاهر طبیعت قرار می‌گیرد، و خدا و وسیله‌ای برای رسیدن به این لذت‌های می‌باشد. این مسئله در طول تاریخ در یک سنخ از محیط‌های مذهبی رایج بوده است و بجزاگی مبلغان دینی و مجریان احکام الهی در همه زمان‌ها همین است. یعنی انبیا و اولیا نیز گرفتاری بزرگشان در ارتباط با همین افراد بوده است. اینهایی که می‌گفتند: ما به خدا و به جهان بعد از دنیا معتقدیم، ولی دروغ می‌گفتند. این افراد چون فضای کلی جامعه را مذهبی می‌بینند، می‌گویند ما به خدا اعتقاد داریم، ولی در حقیقت آنها می‌خوانند از این شعار و ظاهر ساری، به عنوان یک ابزار برای رسیدن به اهداف دنیایی خود استفاده کنند!^(۱)

۱- رسال بندهگی، رساله دوم حج به ندیه آیت‌الله شیخ محبتی تهرانی(ره)، ص ۱۱۹

صفحه معارف و روز‌های: شنبه، یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۰۳۲۹۴۱۹۹۱ – ۰۲۲۲۱۰۳۵۲
Maaref@kayhan.ir